

به س.س

الا ای رهرو سر در کف خلق
که از ما پیش ترک سر نمودی
که با خون شرافتجوش پاکت
ره پیکار ما را تر نمودی
ترا گویم که کوهستان پا میر
سیه پوشید، یکسردر غم تو
ترا گویم که رود مست آمو
زند سر را به سنگ از ماتم تو
ز چشم خشمگین همرها نت
زبانہ میکشد هر شعله تا اوج
به قلب فرد، فرد انقلابی
شرنگ خشم و نفرت میزند موج
تو با انگشت خون آلود مرگت
در اینجا فصل نو را باز کردی
نوای کهنه دیگر بی اثر بود
سرود دیگری را ساز کردی
چراغان میکند خونت وطن را
که از هر قطره آن لاله روید
دل افسرده حالان زنده گردد
اگر آن لاله را باری ببوید
مپرداری که خونت گشت پامال
که هر تک قطره آن شعله خیز است
غروب اختر خونین عمرت
طلوع آفتاب رستخیز است
تو میگفتی که من پروانه هستم
سرا پا سوختی، آمد یقینم
مرا درس فداکاری تو دادی
برای تو درود آتشینم